

The Futures Studies of Iran's constitutional law system from the perspective of developing the application of direct democracy mechanisms

Hadi Hajzadeh¹

Abstract

Direct democracy provides more opportunities for citizens to manage their public affairs, with a variety of mechanisms. The Constitution of the Islamic Republic of Iran has the tools and, of course, the Neglected capacities in the implementation of direct democracy that it seems possible and achievable to explored and theorized to achieve them by looking again at these tools of direct democracy from one a different and new approach on the one hand, and a different and new reading of some principles of the constitution on the other. this article seeks to present theoretical studies of direct democracy and its most common tools (including: referendum, citizens' initiative, agenda initiative and recall), and study the grounds and capacities of the constitution to apply this type of democracy and offer some solutions to maximize citizen participation in the administration of state affairs, in accordance with Article 6 of the Constitution, which governs state affairs on the basis of public votes. accordingly, it seems that the Constitution of the Islamic Republic of Iran not only enjoys the mechanism of "referendum" but can also, by a secondary analysis, enjoys by other mechanisms of direct democracy without changing the provisions of the Constitution and without That the use of these mechanisms be found to be contrary to the Constitution.

Keywords: Constitution, Direct Democracy, Capacity, The Futures Studies.

3

Vol. 3
Autumn 2022

Research Paper

Received:
15 August 2022
Accepted:
16 January 2023
P.P: 115-141



1. Department of Law and Theology, Faculty of Humanities and Social Sciences, Golestan University, Gorgan, Iran. h.hajzadeh@gu.ac.ir

آینده پژوهی نظام حقوق اساسی ایران از منظر توسعه کاربرد مکانیسم‌های دموکراسی مستقیم

هادی حاج زاده^۱

چکیده

دموکراسی مستقیم به‌عنوان روشی توأم با هنجارها و ارزش‌های خاص، با مکانیسم‌های متعدد و متنوع، فرصت‌های بیشتری را برای شهروندان در اداره امور عمومی خویش فراهم می‌سازد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ابزارهای پیدا و البته ظرفیت‌های مغفولی در به‌کارگیری جلوه‌های مختلف دموکراسی مستقیم دارد که کاوش آن‌ها و تئوریزه کردن دستیابی به آن‌ها بانگ‌های دوباره به ابزارهای دموکراسی مستقیم از یک سو و خوانشی متفاوت و جدید از برخی اصول قانون اساسی از سوی دیگر، ممکن و قابل دستیابی است. این مقاله، با روشی کتابخانه‌ای-تحلیلی، ضمن ارائه مطالعات نظری در خصوص دموکراسی مستقیم و ابزارهای آن، ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را در تحقق این نوع از دموکراسی ارزیابی نموده و راهکارهای حداکثرسازی مشارکت شهروندان در اداره امور کشور را مورد پیش‌بینی قرار می‌دهد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد قانون اساسی ایران نه تنها از امکان بهره‌گیری از «رفراندوم» به‌خوبی بهره‌مند است بلکه می‌توان با تحلیلی ثانوی و بدون تغییر در مفاد اصول قانون اساسی، از سایر ابزارهای دموکراسی مستقیم نظیر ابتکار شهروندان و حتی بازپس‌گیری آراء نیز بدون آن که استفاده از این ابزارها مغایر با قانون اساسی شناخته شود، بهره برد.

کلید واژه‌ها: قانون اساسی؛ دموکراسی مستقیم؛ ظرفیت؛ آینده‌پژوهی.

۳

سال سوم
پاییز ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت

۱۴۰۱/۰۵/۲۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۰۷/۰۴

صص: ۱۴۱-۱۱۵



۱. استادیار، گروه حقوق و الهیات، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران.

مقدمه

«دموکراسی»، کوششی است تاریخی برای پاسخ به حق طبیعی انسان در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش که در طول تاریخ و عرض جغرافیا جلوه‌های گوناگونی به خود گرفته و با انواع، ابزارها و مکانیسم‌های متنوعی نمایانده شده است. این ایده که مردم حقی در حاکمیت دارند نه از ابداعات دنیای مدرن بلکه از دغدغه‌های دیرین بشری و از چالش‌های مداوم مکاتب فکری مختلف بوده است اما هنر دنیای مدرن در این عرصه در تثبیت مدل مطلوب خویش در باب نقش مردم در عرصه حکمرانی است که نظریات رقیب را به کلی محو یا در انزوای کامل قرار داده است. براین اساس در حال حاضر شکل‌ها و شیوه‌های مشخصی از دخالت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی‌شان به رسمیت شناخته می‌شود و کشورها بر اساس این معیارها به «دموکراتیک» یا «غیردموکراتیک» تقسیم می‌شوند. از سوی دیگر، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نقطه اتصال مبانی فکری و ایدئولوژیک جامعه اسلامی با یافته‌ها و الزامات دنیای مدرن در باب حکومت، سعی بر آن دارد تا ضمن پایبندی به اصول بنیادین فکری، از ابزارها و روش‌های مقبول و آزموده شده حکمرانی بهره‌مند باشد و اقتضانات دوران مدرن را بومی‌سازی نموده و همگام با تحولات بشری در عرصه حقوق عمومی به پیش رود.

بر این مبنا و همان‌گونه که در این مقاله بدان اشاره خواهد شد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به انواع مختلف دموکراسی و ابزارهای متنوع آن دست یازیده و سعی در به خدمت گرفتن آن‌ها با توجه به مبانی و پایه‌های فکری خود داشته است و در این میان، نه فقط از دموکراسی نمایندگی بلکه از ابزارهایی از دموکراسی مستقیم نیز بهره برده است.

هدف از انجام این پژوهش، پیش‌بینی‌مینه‌های توسعه کاربرد مکانیسم‌های دموکراسی مستقیم در نظام حقوق اساسی ایران با توجه به ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

سؤال اصلی این پژوهش این است که آیا افزایش استفاده از مکانیسم‌های دموکراسی مستقیم در نظام حقوق اساسی ایران، الزاماً نیازمند بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است و یا

آنکه با ظرفیت‌های موجود این قانون نیز امکان افزایش سطح مشارکت مستقیم شهروندان در سطح سیاسی وجود دارد؟

به اعتقاد برخی نویسندگان فقدان یا کندی نوسازی سیاسی در یک کشور ممکن است زمینه بروز چالش‌ها و کشمکش‌هایی را فراهم نماید (تکمیل همایون، ۱۳۷۶) (تکمیل همایون، ۱۳۷۶). برای این اساس، ضرورت این تحقیق، از این جهت پررنگ‌تر می‌نمایند که پس از گذشت چهل سال از تصویب و سی سال از بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نیازمند بازخوانی و بازاندیشی در ظرفیت‌های کمتر دیده‌شده این قانون هستیم تا بتوانیم پیشنهادهایی کاربردی جهت فعال کردن ظرفیت‌های موجود قانون اساسی و نیز ایجاد ظرفیت‌ها و سازوکارهایی جدید برای تحقق اصول کلی قانون اساسی پیرامون مشارکت مردم ارائه نماییم. همچنین در صورت اجماع صاحب‌نظران و حاکمان مبنی بر ضرورت بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این بازنگری در زمینه توسعه کاربرد مکانیسم‌های دموکراسی مستقیم، مقتضی چه مواردی خواهد بود.

فرضیه این پژوهش آن است که هرچند این ظرفیت در مورد اصول مشارکتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فراهم است که ابزارهای مشارکتی جدیدی را با کمترین احساس نیاز به اصلاح قانون اساسی، وارد نظام حقوقی نماید اما با این وجود، به منظور حداکثرسازی کاربرد مکانیسم‌های دموکراسی مستقیم در نظام حقوق اساسی ایران و قرابت هرچه بیشتر این نظام، با اصول مشارکتی فقه سیاسی، ناگزیر از تن دادن به برخی اصلاحات در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور تسهیل و توسعه اعمال این مکانیسم‌ها هستیم.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

دموکراسی و انواع آن

دموکراسی در مفهوم خود بیان‌کننده این آرمان است که تصمیم‌هایی که بر اجتماع به‌عنوان یک مجموعه اثر می‌گذارند باید با نظر کلیه افراد آن اجتماع گرفته شوند و همچنین کلیه اعضا باید از حق برابر برای شرکت در تصمیم‌گیری برخوردار باشند (بتنهام و بویل، ۱۳۹۵). یکی از

شرایط ضروری برای ایجاد دموکراسی امکان مشارکت مؤثر و فعال شهروندان و وجود فرصت‌های کافی و برابر برای آن‌ها است (کریمی مله و رحمتی، ۱۳۹۱).

هر قدر که مردم اختیار بیشتری در سیاست‌گذاری‌ها داشته باشند احتمال انعکاس خواست‌ها و آرمان‌های آن‌ها نیز بیشتر می‌شود. ضرب‌المثل آتنی می‌گوید: «کفش را کفاش می‌دوزد اما فقط کسی که آن را می‌پوشد می‌تواند بگوید کجای کفش، پا را می‌زند.» دولتمردان ولو برخوردار از حسن‌نیت، اگر از نفوذ و کنترل مردم ایمن باشند، در خوش‌بینانه‌ترین حالت، سیاست‌هایی را اعمال می‌کنند که با نیازهای مردم سازگاری ندارد و در بدترین حالت دچار فساد و خودپرستی می‌شوند (بنتهام و بویل، ۱۳۹۵).

یکی از اولین تقسیم‌بندی‌ها در خصوص دموکراسی، تقسیم آن بر مبنای نحوه مشارکت مردم در اداره امور است که به دموکراسی مستقیم و دموکراسی نمایندگی تقسیم می‌شود (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۳).

پیشینه دموکراسی مستقیم را به تجربیات دولت-شهرهای یونان باستان نسبت داده‌اند که در آن، مردم به منظور مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مهم خویش، گرد هم جمع می‌شده و به اتخاذ تصمیم می‌پرداخته‌اند (هلد، ۱۳۷۸). البته این سیستم حکومتی دوام چندانی نیافت و در همان زمان نیز مورد بی‌مهری فیلسوفان بزرگی چون ارسطو و افلاطون قرار گرفت و حتی به عنوان خاستگاه دموکراسی‌های نمایندگی کنونی نیز مطرح نبوده است (پیک حرفه، ۱۳۹۶) چراکه دموکراسی‌های نمایندگی به تحولات تدریجی پس از رنسانس و به‌طور مشخص، انقلاب‌های سیاسی اواخر قرن هجدهم (انقلاب ۱۷۷۶ آمریکا و انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه) بازمی‌گردد (کواسمی، ۱۳۸۹) و تحقیقاً مبتنی بر نظریه قرارداد اجتماعی لاک و روسو (در انگلستان و فرانسه) و جفرسون (در آمریکا) است که در تبیین و توضیح آن به سابقه تاریخی دولت-شهرهای یونان اشاره‌ای نشده است. به عبارت دیگر در خصوص دموکراسی مستقیم در غرب ما با انقطاعی به مدت چندین قرن (از دولت-شهرهای یونان تا بروز نواقصی در دموکراسی‌های نمایندگی) مواجهیم.

براین اساس، شاید امروزه سخن گفتن از دموکراسی مستقیم، نیازمند جسارت و تهوری علمی و اجرائی قلمداد شود و یا اینکه با توجه به تلقی رایج از «دموکراسی مستقیم» از یک سو و گسترده‌گی و وسعت اجتماعات انسانی از سوی دیگر کمی نامأنوس به نظر بیاید. با این حال، با

نگاهی اجمالی به نظریه پردازی‌های متأخر و نیز رویه اجرائی موجود در برخی کشورها این واقعیت تقویت می‌شود که مکانیسم‌های دموکراسی مستقیم و مکانیسم‌های دموکراسی غیرمستقیم یا نمایندگی بجای آنکه متضاد به نظر برسند، می‌توانند یکدیگر را تکمیل کنند و توسعه دهند و نوع دیگری از دموکراسی را با عنوان دموکراسی نیمه مستقیم به وجود آورند (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۸۳).

بر این مبنا، آخرین تفکرات فلسفه سیاسی در غرب در تلاش است تا با ابزارهایی مکمل که یکی از آن‌ها، مکانیسم‌های دموکراسی مستقیم است، کاستی‌های دموکراسی نمایندگی را بازسازی نماید^۱. به اعتقاد برخی نویسندگان، درمان بیماری‌های مزمن دموکراسی، توسل به دموکراسی بیشتر است (کواسمی، ۱۳۸۹).

مکانیسم‌های دموکراسی مستقیم

تصمیم‌گیری اکثریت تنها تمهیدی صوری برای اتخاذ تصمیمات صحیح سیاسی و تحقق خیر جمعی است (ابوطالبی، ۱۳۹۱) و حد اعلاّی دموکراسی محسوب نمی‌شود^۲ و لذا این امر همواره باید مدنظر واقع شود که با تدبیر سازوکارها و مکانیسم‌هایی امکان مشارکت و حضور و ارائه نظر عموم مردم و سایر گروه‌های اجتماعی فراهم باشد. بر این اساس، دموکراسی مستقیم نه در تقابل و تضاد با دموکراسی نمایندگی که در واقع مکمل و ضامن صحت اجرای آن محسوب می‌شود و مردم با مکانیسم‌های دموکراسی مستقیم، همواره حضور خود را به دولت‌مردان منتخبان به رخ می‌کشند و به آنان گوشزد می‌کنند که نقش مردم نه صرفاً تا پای صندوق‌های اخذ رأی که در

۱. دیگر ابزارها یا راهکارهای مکمل دموکراسی نمایندگی را که به کارآمدتر شدن این سیستم کمک می‌کند می‌توان نخبه‌گرایی (elitism)، تکثرگرایی (Pluralism)، تمرکززدانی (Decentralism) و مشارکت‌جویی (Participatory و Corporatism) برشمرد.

۲. یکی دیگر از تلاش‌ها در این حوزه را می‌توان در نظریه دموکراسی مشورتی یا گفتگویی هابرماس دانست (عالم و پوریاشاکاسین، ۱۳۹۰) (ساداتی نژاد و شیرازی، ۱۳۹۵). دموکراسی گفتگویی (Deliberative Democracy) حاصل یاس و نامیدی اندیشمندان و فیلسوفانی بوده است که دموکراسی لیبرال را نسخه‌ای ناقص و ناکارآمد برای بشریت می‌دانستند و درصدد بودند حضور مردم در سیاست را پررنگ‌تر نمایند زیرا معتقد بودند بهترین تصمیم‌گیری در نتیجه دخالت مستقیم مردم به وجود می‌آید (پناهی، ۱۳۹۷) (جلانی پور، ۱۳۸۳) (پناهی، ۱۳۹۷، ص. ۱۶۷) (جلانی پور، ۱۳۸۳، ص. ۱۶۳).
۳. این ایده تا آنجا امتداد دارد که حتی برخی دموکراسی را تعدد گروه‌های قدرت و احتمال گردش قدرت میان آن‌ها تعریف کرده‌اند (بشیریه، ۱۳۸۲) (بشیریه، ۱۳۸۲، ص. ۶۵) و برخی دیگر ماهیت واقعی دموکراسی را صرفاً «چرخش نخبگان» دانسته‌اند و نه حاکمیت مردم (عباس‌زاده، ۱۳۹۵) (عباس‌زاده، ۱۳۹۵، ص. ۳۲۵).

طول دوره مسئولیت و نمایندگی امتداد می‌یابد (جوادی، ۱۳۸۷) و این مردم‌اند که در هر زمان و موقعیتی می‌توانند از انتخابشان روی گردانند و طرحی نو در اندازند یا تصمیمی برخلاف نظر نمایندگانشان ابراز نمایند. یکی از مهم‌ترین دلایل اقبال به چنین ایده‌ای، پدیده «زوال اعتماد سیاسی»^۱ است که از نشانه‌های آن، بحران در مشارکت سیاسی است (ردادی، ۱۳۹۶) و طبعاً یکی از راه‌های علاج آن، تنوع‌بخشی به مشارکت سیاسی مردم می‌باشد (پیشین).

در مجموع، چهار مکانیسم اصلی و عمده به‌عنوان مکانیسم‌های دموکراسی مستقیم قابل‌بررسی است که عبارت‌اند از رفراندوم، ابتکار شهروندان، ابتکار دستور جلسه و بازپس‌گیری آراء.

«رفراندوم»^۲ عبارت است از اینکه در یک موضوع خاص، حق تصمیم‌گیری به خود مردم واگذار شود و نظر آن‌ها به صورت «بلی» یا «خیر» در آن موضوع مورد پرسش قرار گیرد (حاج‌زاده و ابوالحسنی، ۱۳۹۵: ۳۲ و ۷۱). در حقوق اساسی، رفراندوم‌ها به سه دسته تقسیم شده‌اند: رفراندوم‌هایی که مربوط به تصویب یا اصلاح قانون اساسی است (همه‌پرسی اساسی)، رفراندوم‌هایی که در موضوعات خاص و موردی و عمدتاً مهم برگزار می‌شود تا علاوه بر یافتن راه‌حل، میزان پشتیبانی و حمایت عمومی از آن موضوع نیز به دست آید (همه‌پرسی موارد خاص)، رفراندوم‌هایی که به منظور تصویب یک قانون جدید یا نسخ و رد یک قانون موجود، برگزار می‌شود (همه‌پرسی تقنینی).

«ابتکار عمومی شهروندان»^۳ فرآیندی است که به شهروندان این حق را می‌دهد که خودشان، پیشنهادی را تهیه و به همه‌پرسی بگذارند. تفاوت این مکانیسم، با انواع همه‌پرسی در این است که در همه‌پرسی‌ها، این مقامات دولتی (اعم از قوه مجریه، مقننه و قضائیه) هستند که درخواست مراجعه به آراء عمومی را پیگیری می‌کنند در حالی که در ابتکار شهروندان، تمامی مراحل از ابتدا تا انتها بر دوش خود ابتکارکنندگان است و دولت، صرفاً نقش نظارتی بر عهده دارد (پیشین).

«ابتکار دستور جلسه»^۴ عبارت است از اینکه شهروندان قادر باشند با جمع‌آوری تعداد مشخصی امضا و بدون برگزاری انتخابات، پارلمان را مکلف نمایند یک موضوع خاص را مورد رسیدگی قرار دهد (پیشین).

1. Decline of Political Trust

2. referendum

3. Citizens' initiative

4. agenda initiative

«ابطال آراء یا عزل»^۱ نیز فرآیندی است که به مردم این امکان را می‌دهد تا مقامات منتخب خودشان را پیش از اتمام دوره مسئولیتشان، عزل کنند یا نارضایتی خود را از ادامه مسئولیت مقامات انتصابی ابراز نمایند (پیشین).

به‌عنوان پیشینه تحقیق می‌توان به این منابع اشاره کرد:

یعقوب پورعباس در «اعمال حاکمیت با روش‌های مستقیم و بررسی آن در مورد جمهوری اسلامی ایران» ضمن بررسی سه ابزار دموکراسی مستقیم، تنها به بررسی موضوع رفتارندوم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است (پورعباس، ۱۳۸۴).

ولی رستمی در «مشارکت مردم در قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران» تنها به بررسی اصل پنجاه و نهم قانون اساسی و همه‌پرسی تقنینی پرداخته است (رستمی، ۱۳۸۷).

جهانگیر محمودی نژادیان در «رژیم احزاب سیاسی یا دموکراسی مستقیم در نظام ولایت فقیه» به بررسی نسبت و رابطه دموکراسی مستقیم با تئوری ولایت فقیه پرداخته و این موضوع را از منظر فلسفه سیاسی مورد تحلیل قرار داده است. در این بررسی، دموکراسی مستقیم به مفهوم یک ایده و نظر مورد توجه قرار گرفته و نه تکنیک‌ها و مکانیسم‌های مشخص (محمودی نژادیان، ۱۳۶۹).

بیژن عباسی در «بررسی روش‌های اعمال مردم‌سالاری مستقیم و نیمه‌مستقیم»، ضمن آنکه به مکانیسم‌های متنوع‌تری از دموکراسی مستقیم پرداخته و آن‌ها را در کشورهای مختلف مورد مطالعه قرار داده است اما در این زمینه هیچ‌گونه تطبیق و مقایسه‌ای با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران صورت نداده است (عباسی، ۱۳۸۷).

حسن نعیم‌آبادی و مهدی مطهرنیا و رضا پریزاد در «استلزامات سیاسی - حقوقی بازنگری قانون اساسی در گام دوم انقلاب اسلامی» صرفاً بر مسئله ساختار حکومت (نظام ریاستی، نظام پارلمانی، نظام نیمه‌ریاستی - نیمه‌پارلمانی) تمرکز داشته و بازنگری در قانون اساسی به‌منظور استقرار ساختار مطلوب حکومت را پیشنهاد می‌دهد (نعیم‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۰).

ساختار این تحقیق بدین صورت خواهد بود که ضمن نگاهی اجمالی به انواع و ابزارهای دموکراسی، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را در خصوص هر یک از

ابزارهای دموکراسی مستقیم به صورت جداگانه بیازماید و بدین طریق، چشم‌انداز آتی این قانون را در مواجهه با مطالبه رو به تزاید به کارگیری مکانیسم‌های دموکراسی مستقیم ارائه نماید.

روش‌شناسی پژوهش

روش این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و با تحلیل داده‌های رایج و تطبیق آن‌ها بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود با این توضیح که در ابتدا مکانیسم‌های متداول دموکراسی مستقیم در ادبیات رایج علمی و رویه کشورهای مختلف احصا شده و سپس اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از منظر امکان توسعه کاربرد مکانیسم‌های دموکراسی مستقیم با استفاده از ظرفیت‌های بالفعل این قانون مورد بازخوانی قرار گرفته و در نهایت، توسعه کاربرد مکانیسم‌های دموکراسی مستقیم با توجه به ظرفیت‌های بالقوه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این حوزه، مورد پیش‌بینی تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

در اصل مشارکتی بودن نظام سیاسی اسلام حرفی نیست و تقریباً تمامی اندیشمندان مسلمان بر اساس نصوص دینی بر لزوم مشارکت مردمی در تشکیل حکومت اذعان دارند.^۱ حال این مشارکت موجود مشروعیت نظام سیاسی می‌شود یا موجب مقبولیت آن، مورد اختلاف نظر وسیع و دامنه‌داری است که محل آن، مباحث فقه و فلسفه و کلام سیاسی است.^۲

۱. «Direct democracy mechanism» عبارت است از ترتیباتی حقوقی که به شهروندان این حق را می‌دهد که مستقیماً در روند تصمیم‌سازی سیاسی مشارکت داشته باشند. این اصطلاح به‌عنوان ابزارهای دموکراسی مستقیم (direct democracy instrument) و فرآیندهای دموکراسی مستقیم (direct democracy procedure) نیز شناخته می‌شود.

۲. البته مبنای این مشارکت سیاسی در اسلام، مفهوم «شوری» است درحالی‌که در غرب، مبنای مشارکت سیاسی و دموکراسی، حقوق طبیعی و فردگرایی است (فیرحی، ۱۳۸۴) (فیرحی، ۱۳۸۴، ص. ۱۳۸). به تعبیر علامه شمس‌الدین بر امت واجب است که امور عمومی خود را از طریق شورا اداره کند و بر حاکم واجب است که از راه شورا حکومت کند و او شرعاً ملتزم به تبعیت از نتایج شورا است (شمس‌الدین، ۱۴۱۲) (شمس‌الدین، ۱۴۱۲، ص. ۱۰۷).

۳. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص ر.ک: (ورعی، ۱۳۸۷) (فخلعی، ۱۳۸۴) (فیرحی، ۱۳۸۴) (معصومی، ۱۳۸۸) (اراکی، ۱۳۸۸) (ورعی، ۱۳۸۷) (فخلعی، ۱۳۸۴) (فیرحی، ۱۳۸۴) (معصومی، ۱۳۸۸) (اراکی، ۱۳۸۸).

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر این نکته تأکید شده است که «حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی، راه خود را به سوی هدف نهایی (حرکت به سوی الله) بگشاید» و لذا قانون اساسی «در خط گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند (ویضع عنهم اصرهم والاعلال التي كانت عليهم)» چراکه «هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (والی‌الله المصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تخلقوا باخلاق الله) و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد؛ بنابراین، داعیه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن است که «زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم سازد تا در مسیر تکامل انسان، هر فردی خود متصدی و مسئول رشد و ارتقاء و رهبری گردد که این همان تحقق حکومت مستضعفین در زمین خواهد بود (و نرید ان نم ن علی‌الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین)».

همان‌گونه که بیان شد، پرداختن به مبنای ایدئولوژیک لزوم چنین مشارکتی^۱ و دیدگاه‌های فقهی ناظر بر آن، مجالی مفصل و مجزا می‌طلبد اما وجود اهداف، سیاست‌ها و ابزارهای متعددی که در این راستا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأسیس شده است، همگی نشان از اهتمام و دغدغه این قانون به رأی، نظر و مشارکت همه‌جانبه و فراگیر مردم در اداره امور کشور دارد. توجه به این ظرفیت‌های عمدتاً بالقوه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سپری شدن بیش از چهل سال از تصویب این قانون، ضرورت ارائه نقشه راه برای تحقق آن‌ها را در گام دوم انقلاب عینیت می‌بخشد و از همین رو، در این مجال، با مبنا قرار دادن مکانیسم‌های متداول دموکراسی مستقیم، به آینده‌پژوهی مسیر توسعه مشارکت مستقیم مردم در اداره امور کشور بر اساس ظرفیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت.

۱. به‌عنوان مثال، برای آشنایی با مبانی فقهی رفرااندوم در جمهوری اسلامی ایران ر.ک (کعبی، ۱۳۹۲): (کعبی، ۱۳۹۲).

پیش‌بینی توسعه کاربرد مکانیسم «فراندوم» با توجه به ظرفیت‌های موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

همان‌گونه که بیان شد، فراندوم یک فرآیند دموکراسی مستقیم است که در برگیرنده یک انتخابات در خصوص یک موضوع سیاست عمومی است. در تقسیم‌بندی اول، فراندوم‌ها بر دو گونه هستند: فراندوم‌هایی که توسط مقامات دولتی ابتکار و راه‌اندازی می‌شوند و فراندوم‌هایی که توسط شهروندان ابتکار شده‌اند. بر اساس تقسیم‌بندی دیگر، برگزاری فراندوم از سوی مقامات کشور ممکن است اختیاری یا الزامی باشد.

تقسیم‌بندی دیگری که در خصوص فراندوم‌ها وجود دارد، تقسیم آن‌ها از لحاظ نتایج حاصل از آن‌ها است که ممکن است مشورتی^۱ و یا قانوناً الزام‌آور^۲ باشد. از آنجا که تقسیم‌بندی اول، مبنای تمایز مکانیسم فراندوم از ابتکار شهروندان است، به صورت مجزا به آن پرداخته خواهد شد. همچنین تقسیم‌بندی دوم نیز چندان محل مناقشه و بحث نیست زیرا برای حکومت‌های دموکراتیک مشکل است که با نتیجه یک فراندوم (هرچند که آن فراندوم قانوناً فقط مشورتی باشد)، مخالفت کنند؛ بنابراین در ذیل تنها به مطالعه فراندوم‌های اجباری و اختیاری پرداخته خواهد شد.

فراندوم اجباری

فراندوم اجباری^۳، انتخاباتی است که به‌طور خودکار و تحت شرایط ویژه‌ای که در قانون اساسی یا قانون عادی تعریف شده برگزار می‌شود. فراندوم‌های اجباری به شدت گسترده‌اند به نحوی که در حدود نیمی از کشورهای جهان قوانینی در مورد انواع مختلف فراندوم‌های اجباری دارند. در کشورهایی نظیر استرالیا، دانمارک، ژاپن، سوئیس، اروگوئه و ونزوئلا، همه اصلاحات و بازنگری‌های قانون اساسی باید از طریق فراندوم به تصویب برسد. همچنین در سوئیس، معاهدات بین‌المللی خاص باید از طریق فراندوم به تصویب برسد و در دانمارک، انتقال

1. Consultative referendum

2. Binding referendum

3. Mandatory referendum or obligatory referendum

صلاحیت به نهادهای بین‌المللی یا فراملی نیازمند رفراندوم است مگر اینکه این مسئله توسط پنج‌ششم اکثریت پارلمان به تصویب رسیده باشد. به‌طور کلی مهم‌ترین موضوعات رفراندوم‌ها از این قرارند: بازنگری قانون اساسی، پذیرش معاهدات بین‌المللی، انتقال صلاحیت‌های داخلی به سازمان‌های بین‌المللی، خصوصی‌سازی یا ملی‌سازی، تنظیم منابع مالی و اقتصادی نظیر تحمیل مالیات‌های جدید، عوارض، هزینه عمومی، موضوعاتی نظیر قابل قبول بودن طلاق، سقط جنین، قتل دیگری با رضایت خود او (اتونازی) و... اجباری بودن رفراندوم و تعیین شرایط آن در قانون اساسی طبیعتاً منجر به مداخله مؤثر و نظام‌مند شهروندان در تصمیم‌سازی‌های مهم سیاسی می‌شود و کمتر احتمال دارد که قربانی دست‌کاری‌ها و دست‌اندازی‌های عامدانه مقامات سیاسی شوند. در مقابل زیان تنظیم رفراندوم‌ها در قانون اساسی یا قانون عادی این است که این مسئله، انعطاف‌پذیری را کاهش می‌دهد (به‌ویژه اگر قانون اساسی همه جزئیات را پیش‌بینی کند) (حاج زاده و بوالحسنی، ۱۳۹۵).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پس از آنکه در اصل ششم، اداره امور کشور با اتکا به آراء عمومی و از راه همه‌پرسی به رسمیت شناخته شد، به‌موجب اصل یکصد و هفتاد و هفتم کلیه اصلاحات و بازنگری‌ها در قانون اساسی را منوط به موافقت اکثریت مطلق شرکت‌کنندگان در همه‌پرسی دانسته است. در این خصوص و با توجه به مطالب پیش‌گفته، چند نکته حائز اهمیت است:

اول) در همه‌پرسی بازنگری برخلاف همه‌پرسی مندرج در اصل اول قانون اساسی، اکثریت مطلق «شرکت‌کنندگان» ملاک تصویب دانسته شده و نه اکثریت «واجدین شرایط رأی‌دادن».

دوم) بر اساس تقسیم‌بندی علمای حقوق از شیوه‌های مختلف تدوین قانون اساسی، می‌توان شیوه بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را «نیمه اعطائی دموکراتیک» دانست (تدوین متن اصلاحات قانون اساسی از سوی شورای بازنگری قانون اساسی که اکثر اعضای آن، منتخب مستقیم مردم نیستند و سپس، گزاردن متن مصوب این شورا به همه‌پرسی) درحالی‌که شیوه

۱. اصل ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکا آراء عمومی اداره شود از راه انتخابات: انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر این‌ها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.»

تدوین قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ شیوه دموکراتیک مختلط بود (تهیه قانون اساسی توسط مجلس خبرگان قانون اساسی که منتخب مردم بودند و سپس گزاردن متن مصوب این مجلس به همه‌پرسی).^۱

سوم) با توجه به اینکه در انتهای اصل یکصد و هفتاد و هفتم صراحتاً بیان شده است که «... مصوبات شورا پس از تأیید و امضای مقام رهبری باید از طریق مراجعه به آراء عمومی به تصویب اکثریت مطلق شرکت کنندگان در همه‌پرسی برسد» تردیدی وجود ندارد که این همه‌پرسی، از نوع اجباری با ابتکار مقامات دولتی است.

چهارم) همان‌گونه که در همه قوانین اساسی مرسوم است، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، مبانی اصلی و اساسی نظام، از بازنگری مستثنا شده است. این موضوعات عبارت‌اند از: ۱- اسلامی بودن نظام، ۲- ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی، ۳- پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران، ۴- جمهوری بودن حکومت، ۵- ولایت امر و امامت امت، ۶- اداره امور کشور با اتکا به آراء عمومی، و ۷- دین و مذهب رسمی کشور.

پنجم) همچنین مناسب است به «قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۶۸ که در خصوص برگزاری انواع همه‌پرسی است اشاره شود.^۲ به موجب ماده ۱ این قانون، همه‌پرسی عبارت است از اینکه «همه اقشار جامعه با آزادی کامل نظر خود را درباره موضوعی که به آراء عمومی گذارده می‌شود به یکی از دو صورت زیر اعلام نمایند: الف - آری. ب - نه». تاریخ همه‌پرسی‌ها از سوی وزارت کشور و با هماهنگی شورای نگهبان تعیین می‌شود (ماده ۲). مسئول صحت اجرای همه‌پرسی، وزارت کشور (ماده ۱۱) و مسئولیت نظارت بر این انتخابات بر عهده شورای نگهبان است (ماده ۳). به منظور تضمین سلامت همه‌پرسی، ماده ۳۳ این قانون مقرر می‌دارد:

۱. ماده ۱ «لایحه قانونی همه‌پرسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۵۸/۸/۲۰ شورای انقلاب مقرر می‌دارد: «به منظور اظهار نظر نهایی درباره متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به تصویب مجلس بررسی نهایی قانون اساسی رسیده است، برنامه همه‌پرسی از آحاد ملت ایران مطابق مقررات این قانون انجام می‌گیرد به نحوی که همه اقشار جامعه با آزادی کامل نظر خود را به یکی از دو حالت زیر به صورت رأی مخفی اعلام نمایند: الف - با اصول قانون اساسی مصوب مجلس بررسی نهایی قانون اساسی (مجلس خبرگان) موافقت دارید؟؛ آری / ب - با اصول مصوب مجلس بررسی نهایی قانون اساسی (مجلس خبرگان) موافقت دارید؟؛ نه»

۲. لازم به ذکر است که آئین‌نامه اجرائی این قانون در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۷ به تصویب هیئت وزیران رسیده است.

«به منظور حفظ بی طرفی کامل، ناظرین شورای نگهبان و اعضای هیئت های اجرائی و نظارت موظف اند در طول مدت مسئولیت خود، بی طرفی کامل را حفظ نمایند. تبصره - مجازات تخلف از ماده فوق با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب از وعظ و توبیخ و تهدید و درجات تعزیر انفصال شش ماه تا یک سال از خدمات دولتی یا شش ماه تا یک سال زندان خواهد بود». همه پرسى به صورت مستقیم با رأی مخفی انجام می شود (ماده ۴).

رفراندوم اختیاری

دومین نوع رفراندوم ها، رفراندوم اختیاری^۱ است. این رفراندوم، انتخاباتی را شامل می شود که از سوی قانون، الزامی به برگزاری آن نشده است اما می تواند توسط قوه مجریه، تعداد خاصی از اعضای مجلس و در بعضی موارد توسط دیگر سیاستمداران ابتکار شود. ضوابط مربوط به برگزاری این رفراندوم ممکن است از پیش تنظیم شده باشد و یا اینکه به صورت موردی^۲ و بر اساس قواعد ویژه ای که برای همان رفراندوم تعیین می شود، تنظیم شوند (حاج زاده و بوالحسنی، ۱۳۹۵).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به موجب اصل پنجاه و نهم «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه پرسى و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. درخواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دوسوم مجموع نمایندگان مجلس برسد». در خصوص این اصل، نکاتی بدین شرح، حائز اهمیت است: اولاً این که این اصل، از بین سه گونه همه پرسى مصطلح در حقوق اساسی (همه پرسى اساسی، تقنینی و موضوعات خاص) صرفاً همه پرسى تقنینی را بیان می کند چرا که آن را محدود به «اعمال قوه مقننه» یعنی اموری که در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است دانسته است. ثانیاً اینکه این اصل، مراجعه به آراء عمومی را منوط به «تصویب» دوسوم مجموع نمایندگان مجلس دانسته و چون بر اساس صدر اصل نود و چهارم «کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید

1. Optional referendum

۲. به چنین رفراندوم هایی اصطلاحاً «اد هوک» (Ad hoc referendum) گفته می شود.

به شورای نگهبان فرستاده شود» لذا مراجعه به آراء عمومی نیز باید از حیث عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به تائید شورای نگهبان برسد.

ثالثاً آنکه این اصل، مرجعی که می‌تواند «درخواست» مراجعه به آراء عمومی را به مجلس تقدیم کند مسکوت گذاشته و بیان نکرده که آیا این درخواست می‌تواند از سوی دولت و به موجب یک لایحه باشد یا از سوی تعداد مشخصی از نمایندگان و به موجب یک طرح یا از طریق لایحه شورای عالی استان‌ها و یا یک طریق دیگر. البته لازم به ذکر است که در ماده ۳۶ قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران مقرر شده است «همه‌پرسی به پیشنهاد رئیس‌جمهور یا یکصد نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تصویب حداقل دوسوم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی انجام خواهد شد». همچنین در ماده ۲۰۷ آئین‌نامه داخلی مجلس نیز ضوابط جزئی‌تر رسیدگی به درخواست برگزاری همه‌پرسی بیان شده است.

رابعاً آنکه اکثر حقوقدانان عقیده دارند با توجه به اطلاق بند ۳ اصل ۱۱۰، فرمان این همه‌پرسی نیز باید از سوی رهبری صادر شود. در مقابل، برخی بر این عقیده‌اند که از آنجایی که شورای نگهبان بر مصوبه مجلس مبنی بر مراجعه به آراء عمومی (اصل ۹۴) و نیز بر انتخابات همه‌پرسی (اصل ۹۹) نظارت می‌کند و یکی از معیارهای شورای نگهبان در تطبیق مصوبات مجلس با موازین شرعی، احکام حکومتی ولی فقیه است لذا دغدغه اعمال ولایت در خصوص احکام موضوع همه‌پرسی، از این طریق قابل حل است و نیازی به صدور فرمان همه‌پرسی که احیاناً موجب وهن مقام ولایت می‌شود نخواهد بود.

جمع‌بندی

همان‌گونه که ملاحظه گردید، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اعمال مکانیسم فراندوم از ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه متعددی برخوردار است بدین صورت که به موجب اصل یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی کلیه بازنگری‌های قانون اساسی الزاماً باید به وسیله فراندوم به تصویب برسد تا رسمیت یابد. همچنین در حوزه فراندوم‌های اختیاری، صلاحیت ارائه پیشنهاد برگزاری فراندوم در موضوعات مهم، برای پارلمان مورد پیش‌بینی قرار گرفته است.

با وجود آنکه مکانیسم «رفراندوم» از میان سایر مکانیسم‌های دموکراسی مستقیم، بیشتر مورد اقبال قانون اساسی ایران واقع شده و دو نوع از آن به صراحت در قانون اساسی گنجانده شده است؛ با این وجود چنانچه رویکرد توسعه کاربرد مکانیسم‌های دموکراسی مستقیم در دستور کار حاکمیت قرار گیرد می‌توان با تغییراتی جزئی در متن اصل پنجاه و نهم قانون اساسی، ابتکار شهروندان را نیز به عنوان راهی برای درخواست رفراندوم‌های اختیاری پذیرفت و بدین وسیله، ظرفیت‌های بیشتری را برای کاربرد این مکانیسم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فعال نمود.

پیش‌بینی توسعه کاربرد مکانیسم «ابتکار شهروندان» با توجه به ظرفیت‌های موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

همان‌گونه که بیان شد، ابتکار شهروندان (که ابتکار عمومی نیز نامیده می‌شود) یک فرآیند دموکراسی مستقیم است که به شهروندان اجازه می‌دهد تا یک انتخابات را در خصوص پیشنهادی که خودشان تدوین کرده‌اند به راه بیندازند. این پیشنهاد می‌تواند راجع به ایجاد یک قانون جدید یا یک اصلاح قانون اساسی یا لغو یا اصلاح یک قانون موجود باشد.

تعداد کشورهایی که مکانیسم ابتکار شهروندان را در اختیار دارند به‌طور قابل‌تأملی کمتر از کشورهای است که از مکانیسم رفراندوم برخوردار هستند و محدوده موضوعاتی که در مورد آن‌ها ابتکار شهروندان، پیش‌بینی شده است بسیار محدودتر از رفراندوم‌ها هستند.

در خصوص توسعه کاربرد این مکانیسم در نظام حقوقی ایران، دو راهکار حقوقی به نظر می‌رسد. راهکار اول، استفاده از ظرفیت موجود در اصل پنجاه و نهم قانون اساسی است با این توضیح که بر اساس این اصل «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد...». در این اصل، مرجعی که می‌تواند «درخواست» مراجعه به آراء عمومی را به مجلس تقدیم کند مسکوت گذاشته و لذا در ماده ۳۶ «قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۶۸/۴/۴ مقرر شده که مرجع درخواست مراجعه به همه‌پرسی می‌تواند رئیس‌جمهور یا یکصد نفر از نمایندگان مجلس باشد. بر این اساس و با توجه به سکوت قانون اساسی در این خصوص و ارجاع آن به قانون

عادی، این ظرفیت در قانون اساسی وجود دارد که مراجع و راه‌های دیگری نیز به‌عنوان مرجع درخواست برگزاری همه‌پرسی در قوانین عادی پیش‌بینی شود و این امر به دلیل عمومیت اصل ششم و هشتم قانون اساسی، مغایر با قانون اساسی شناخته نخواهد شد. به‌عنوان مثال می‌توان با اصلاح «قانون همه‌پرسی»، درخواست مراجعه به آراء عمومی را به مراجع دیگری نظیر شورای عالی استان‌ها یا تعداد مشخصی از شهروندان نیز واگذار نمود. راهکار دوم در این راستا می‌تواند پیش‌بینی صریح یک اصل مستقل در قانون اساسی به‌منظور تجویز ابتکارات شهروندان در قانون‌گذاری باشد.

جمع‌بندی این بخش

یکی از ایده‌های جدی در چشم‌انداز بازنگری قانون اساسی در آینده، از یک طرف تنوع‌بخشی به شیوه‌های قانون‌گذاری و از طرف دیگر، افزایش جلوه‌های مشارکت سیاسی شهروندان در اداره امور کشور خواهد بود و براین اساس پیش‌بینی می‌شود مکانیسم ابتکار شهروندان به‌عنوان ابزاری برای تحقق این دو هدف، به کار گرفته شود هرچند توجه به این نکته ضروری است که این ابزار در جوامعی که ثبات سیاسی بالایی ندارند و نظام حزبی قوی در آن‌ها شکل نگرفته ممکن است به هرج و مرج تقنینی بینجامد.

پیش‌بینی توسعه کاربرد مکانیسم «ابتکار دستور جلسه» با توجه به ظرفیت‌های موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

«ابتکار دستور جلسه»، «حرکت‌های مردمی»، «حقوق تفویضی» یا «ابتکارات قانون‌گذاری عمومی» یک فرآیند دموکراسی مستقیم است که شهروندان را قادر می‌سازد تا یک پیشنهاد را به قوه مقننه ارائه دهند. قوه مقننه ملزم به بررسی و رسیدگی به آن است اما الزامی ندارد که با توجه به خواسته رأی‌دهندگان، تصمیم‌گیری کند. ابتکار دستور جلسه تنها مکانیسم دموکراسی مستقیم است که لزوماً منجر به یک انتخابات عمومی نمی‌شود. موضوعاتی که نمی‌تواند موضوع ابتکار دستور جلسه باشد، ممکن است شامل اصلاحات قانون اساسی (اتریش، برزیل، کیپ‌ورد، تایلند)، پذیرش معاهدات بین‌المللی (اتریش، مالی،

پرو)، مالیات‌ها و الزامات هزینه‌های عمومی (آلبانی، بورکینافاسو، اروگوئه) باشد (حاج زاده و بوالحسنی، ۱۳۹۵).

در نظام حقوقی ایران ابتکار قانون به صورت متداول به سه صورت امکان‌پذیر است و بر عهده سه مرجع متفاوت قرار داده شده است: لوایح قانونی دولت، طرح‌های قانونی مجلس (اصل هفتاد و چهارم قانون اساسی^۱)، طرح‌های شورای عالی استان‌ها (اصل یکصد و دوم قانون اساسی)^۲. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود ابزارهای شناخته شده قانون اساسی در خصوص پیشنهاد قانون به پارلمان همین موارد سه‌گانه هستند اما به زعم این قلم، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ظرفیت‌هایی چند برای پیش‌بینی «ابتکار دستور جلسه» به‌عنوان یک راهکار امکان‌پذیر در پیشنهاد قانون را به شرح ذیل در بردارد:

اول) در اندیشه و تاریخ اسلامی، مفهوم شورا جزو مهم‌ترین امکان‌های مردم‌سالاری از منظر اسلامی محسوب می‌شود (مبلغی، ۱۳۹۵) و این سهم‌یابی ملت در حوزه سیاست، اعطایی نیست بلکه اصالت دارد (مبلغی، ۱۳۹۵) و لذا می‌تواند با ایجاد یک ساختار حقوقی سیال، امکان‌های مشورتی و انتقادی بیشتری برای شهروندان ایجاد نماید. در اصل هفتم قانون اساسی همه نهادهایی که به صورت شورایی و از سوی مردم تشکیل می‌شوند را از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور قلمداد کرده و مقرر می‌دارد: «طبق دستور قرآن کریم: «و امرهم شوری بینهم» و «شاوهرم فی الامر»، شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر این‌ها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند...». توجه به قسمت اخیر این اصل می‌تواند زمینه ایجاد شوراها یا نهادهایی جدید را در راستای راه‌اندازی مکانیسم‌های دموکراسی مستقیم فراهم کند. توضیح آنکه اصطلاح «نظایر این‌ها» اولاً ناظر به شوراهای محلی نیست چراکه همه انواع شوراهای محلی (استان، شهرستان، شهر، بخش، روستا) در خود این اصل بیان شده است و ثانیاً شوراهای عالی کشور نظیر شورای عالی انقلاب فرهنگی یا شورای عالی امنیت ملی یا فضای مجازی و... را نیز شامل نمی‌شود چراکه این شوراها، نظیر نهادهای مذکور در اصل هفتم، به‌طور

۱. «لوایح قانونی پس از تصویب هیئت‌وزیران به مجلس تقدیم می‌شود و طرح‌های قانونی به پیشنهاد حداقل پانزده نفر از نمایندگان، در مجلس شورای اسلامی قابل طرح است.»

۲. «شورای عالی استان‌ها حق دارد در حدود وظایف خود طرح‌هایی تهیه و مستقیماً یا از طریق دولت به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد کند. این طرح‌ها باید در مجلس مورد بررسی قرار گیرد.»

مستقیم برخاسته از رأی مردم نیستند. ثالثاً این اصل نمی‌تواند شوراهایی نظیر شوراهای اسلامی کار و... مذکور در اصل یکصد و چهارم را نیز شامل شود چراکه آن شوراهای نیز «نظیر» و شبیه شوراهای مذکور در اصل هفتم نیستند و بعلاوه نمی‌توان چنین شوراهایی را از «ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور» دانست زیرا شوراهای اصل یکصد و چهارم صرفاً در یک جمع محدود و در اموری محدود صلاحیت پیدا می‌کنند (مشروح مذاکرات، ۱۳۶۴)؛ بنابراین، می‌توان این نظر را پذیرفت که تدوین‌کنندگان قانون اساسی در نظر داشته‌اند تا راه را برای ایجاد شوراهای و مجامعی که از سوی عموم مردم تشکیل می‌شوند و در اداره امور کشور به ایفای نقش می‌پردازند باز بگذرانند. این نظریه با توجه به اطلاق و گستردگی اصل هشتم، می‌تواند یکی از مهم‌ترین قابلیت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمینه مکانیسم‌های دموکراسی را با توجه به مبانی فقهی و حقوقی فراهم سازد.

دوم) اصل هشتم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت...». ابزارهایی مانند ابتکار شهروندان و ابتکار دستور جلسه را می‌توان به نوعی، اجرای اصل دعوت به خیر و امر به معروف دانست.^۱

۱. «حضور مردم، یک حضور قطعی در باب حکومت اسلامی است - از مسئولیت انسان‌ها فهمیده می‌شود. در قرآن کریم و در روایات ما درباره‌ی مسئولیت مردم نسبت به سرنوشت جامعه مطالب روشن و فراوانی هست: كَلِّمُوا رَاعٍ وَ كَلِّمُوا مَسْئُولًا عَنْ رَعِيَّتِهِ، یعنی همه‌ی آحاد جامعه مسئول‌اند نسبت به وضع جامعه. مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ؛ امور مسلمین یعنی همین امور جامعه‌ی اسلامی که همه‌ی امور را شامل می‌شود. یا در این خطبه‌ی معروف صفین که مطالب زیادی در باب حکومت در این خطبه وجود دارد، امیرالمؤمنین (علیه السلام) یک عبارتی دارند که به نظر من خیلی مهم است: وَ لَكِنْ مِنْ وَاجِبِ حَقِّقِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عَلَى عِبَادِهِ النَّصِيحَةَ بِمَبْلَغِ جَهْدِهِمْ وَ التَّعَاوُنَ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ؛ جزو مهم‌ترین و لازم‌ترین حقوق پروردگار این است که: التَّعَاوُنَ عَلَى إِقَامَةِ الْحَقِّ بَيْنَهُمْ؛ باید همکاری کنند تا حق در جامعه اقامه بشود، بر پا بشود؛ یعنی این مسئولیت مردم است دیگر؛ مردم مسئول‌اند، بایستی کمک کنند که در کشور، حکومت حق بر پا بشود، حکومت خدا بر پا شود. وظیفه‌ی امر به معروف؛ این یک وظیفه‌ی عمومی است که یکی از مهم‌ترین معروف‌ها حکومت حق و عدل است. در جامعه بایستی حکومت عادلانه باشد، حکومت حق باشد؛ باید مردم امر کنند به این [معروف]؛ مسئولیت مردم را نشان می‌دهد... بنابراین، این مسئولیت همگانی است. حالا چه جوری این مسئولیت اعمال بشود، این در زمان‌های مختلف، مختلف است؛ امروز با انتخابات است، ممکن است یک روزی با یک وسیله‌ی دیگری باشد؛ [بنابراین] این مسئولیت وجود دارد. این «مسئولیت» از یک سو و از یک سو «حق»؛ [یعنی] حق تعیین سرنوشت [وجود دارد]... پس بنابراین مسئله‌ی حاکمیت مردم و مردم‌سالاری، متکی به این معارف دینی است؛ هم قرآن در آن هست، هم حدیث در آن هست، هم نهج‌البلاغه در آن هست و هم رفتارهای زمان‌های رفتار پیغمبر و امیرالمؤمنین در آن هست که امیرالمؤمنین در همان خطبه‌ی صیفینی فرماید: لَا تَكْفُوا عَنْ مَشُورَةٍ بِحَقِّ أَوْ مَقَالَةٍ بِعَدَلٍ؛ یعنی خودداری نکنید، به من بگویید؛ در کار من، در روش من و شیوه‌ی کار من دخالت کنید، نظر بدهید؛ این [طور] است؛ بنابراین مسئولیت مردم و حق مردم مسلماً از متن اسلام برمی‌آید» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰) (آیه الله خامنه‌ای، ۱۴۰۰، ص. سخنرانی ۱۴ خردادماه).

سوم) با وجود مکانیسم مندرج در اصل پنجاه و نهم قانون اساسی مبنی بر برگزاری همه‌پرسی تقنینی و با تحلیلی که از ظرفیت موجود در این اصل در قسمت قبل (ابتکار شهروندان) بیان شد، به قیاس اولویت می‌توان این گونه ابراز داشت که وقتی شهروندان، خودشان مستقیماً بتوانند موضوعی را به عنوان قانون و در قالب همه‌پرسی به تصویب برسانند، پیش‌بینی ابزاری برای آنکه صرفاً پیشنهاد تصویب یک قانون را به پارلمان ارائه دهند طبعاً مغایرتی با قانون اساسی پیدا نخواهد کرد.

جمع‌بندی این بخش

بر اساس آنچه بیان شد، هر چند قانون اساسی کنونی ظرفیت نظری قبول ابتکار دستور جلسه را دارا می‌باشد با این وجود چنانچه سیاست‌های کلان کشور اقتضا نماید می‌توان با گنجاندن ابتکار دستور جلسه شهروندان در بازنگری قانون اساسی، چالش‌های نظری پیرامون انطباق یا عدم انطباق این مکانیسم با قانون اساسی، پایان خواهد یافت.

پیش‌بینی توسعه کاربرد مکانیسم «بازپس‌گیری آراء» با توجه به ظرفیت‌های موجود در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

عزل یا ابطال و بازپس‌گیری آراء یک فرایند دمکراسی مستقیم است که به یک مقام صلاحیت‌دار و یا یک تعداد مشخصی از شهروندان اجازه می‌دهد که در یک حوزه، تقاضای برگزاری انتخابات در مورد یک مقام دولتی را بنمایند که آیا از آن شغل دولتی قبل از انقضای دوره‌اش برکنار شود یا نه.

شیوه‌های بازپس‌گیری آراء بر دو گونه است: مدل ترکیبی و مدل کامل. در مدل ترکیبی^۱، پیشنهاد عزل توسط مقامات یا نهادهای دولتی ارائه و سپس به رأی عمومی گذاشته می‌شود و یا اینکه پیشنهاد عمومی پس از تأیید مقامات یا نهادهای دولتی، به رفراندوم گذاشته می‌شود اما در مدل کامل^۲، هم ابتکار اولیه و هم تأیید عمومی کاملاً به رأی و نظر مردم بستگی دارد. از دیدگاه موافقین، فرآیند ابطال آراء، با این ایده عجین شده است که نمایندگان باید همواره پاسخگوی مردمی که آن‌ها را انتخاب کرده‌اند، باقی بمانند اما از دیدگاه منتقدین، این مکانیسم

1. mixed recall
2. full recall

منجر به مقابله و درگیری‌های جدی و ازهم‌گسیختگی جریان عادی امور در طول مدت نمایندگی می‌شود؛ بنابراین در به کار بردن این مکانیسم باید توازنی بین اصل مشارکت مؤثر شهروندان و اصل حکمرانی مؤثر و مفید ایجاد شود چراکه از یک طرف، انتخابات‌های مکرر ابطال آراء، ممکن است دموکراسی نمایندگی را تضعیف کند و از طرف دیگر سخت کردن کاربرد این فرآیند نیز، کارایی مؤثر آن را به‌عنوان ابزاری برای شهروندان به‌منظور نظارت بر نمایندگانشان، محدود می‌سازد (حاج زاده و بوالحسنی، ۱۳۹۵).

در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران یافتن مستمسک‌هایی ولو ضعیف برای تبیین و تئوریزه کردن مکانیسم بازپس‌گیری آراء دشوار به نظر می‌رسد اما باین وجود، ظرفیت‌های ذیل می‌تواند برای رسوخ دادن چنین اندیشه‌ای در نظام حقوقی ایران مؤثر به نظر برسد به‌ویژه آنکه به اعتقاد برخی نویسندگان، اندیشه عزل مقامات، در تئوری ولایت فقیه نیز قابل‌بازشناسی و ملاحظه است (ابوالحمد، ۱۳۸۴).^۱

اول) اصل هشتم قانون اساسی مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت...». ابزار بازپس‌گیری آراء را می‌توان مصداقی از نهی از منکر مردم نسبت به دولت قلمداد نمود.

دوم) در خصوص استیضاح وزرا و رئیس‌جمهور که در اصل هشتادونهم به تفصیل بیان شده است نیز می‌توان برای شهروندان، این امکان را فراهم نمود که با درخواستی حاوی تعداد مشخصی از امضاها، اعمال اصل هشتادونهم را از مجلس شورای اسلامی درخواست نمایند و این‌گونه به نظر می‌رسد که این امر، منافاتی با اصل هشتادونهم ندارد و در راستای تحقق اصول هفتم و هشتم قانون اساسی است.

سوم) به موجب بند ۸ اصل یکصد و دهم، «حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام» بر عهده مقام رهبری گزارده شده است. این بند در واقع،

۱. توضیح آنکه به اعتقاد مرحوم دکتر ابوالحمد، از آنجاکه تداوم ولایت، منوط به تداوم شرایط و به‌ویژه عدالت است لذا به محض آنکه رهبری عدالتش را از دست بدهد، خودبه‌خود منعزل خواهد بود و مجلس خبرگان نیز در هر زمان و لحظه‌ای این اختیار و صلاحیت را دارد که در مورد تداوم شرایط رهبری در آن شخص، اعلام نظر نموده و احیاناً عزل او را اعلام نماید. برای اطلاعات بیشتر ر.ک: (علویان و دوست محمدی، ۱۳۹۵) (علویان و دوست محمدی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱۷).

مکانیسم اعمال ولایت مطلقه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را بیان می‌کند بدین ترتیب که چنانچه نظام اسلامی با معضل یا مسئله‌ای مواجه شود که راه‌حل قانونی برای آن وجود ندارد یا آنکه پیگیری طرق عادی و راه‌حل‌های قانونی، منجر به فوت مصالح عالی نظام و بروز معضلات دیگری برای کشور می‌شود، در این صورت، رهبر می‌تواند/مکلف است پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، راهی را برگزیند که مصلحت کشور تأمین شود (ارسطا، ۱۳۸۹). در موضوع مورد بحث نیز چنانچه به‌عنوان مثال، پارلمان، از انجام وظائف خود بازماند یا اقدامات رئیس‌جمهور، موجب بروز معضلاتی برای کشور شود و پارلمان نیز نتواند حدنصاب لازم را برای عزل او فراهم آورد، ممکن است مجمع تشخیص مصلحت نظام، پیشنهاد نماید که دوره مجلس یا رئیس‌جمهور به‌موجب یک انتخابات بازپس‌گیری آراء، زودتر از موعد مقرر خاتمه یابد.

چهارم) در اصل یکصد و بیست و دوم قانون اساسی، پیش‌بینی شده است که «رئیس‌جمهور در حدود وظایف و اختیاراتی که به‌موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی به عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است». تمامی حقوقدانان بر این عقیده‌اند که مسئولیت رئیس‌جمهور در برابر این سه مرجع، مسئولیت سیاسی است و همان‌گونه که بیان شد، عزل رئیس‌جمهور از سوی مجلس شورای اسلامی (اصل ۸۹) و رهبری (بندهای ۸ و ۱۰ اصل ۱۱۰) در قانون اساسی به‌صراحت یا به‌صورت ضمنی مورد توجه و تبیین قرار گرفته است و لذا این مسئولیت، دارای مابه‌ازای حقوقی معتنا بهی است، درحالی‌که مسئولیت رئیس‌جمهور در خصوص اختیارات و وظائفش نسبت به «ملت»، مابه‌ازای حقوقی مشخصی ندارد. البته ممکن است گفته شود که انتخاب یا عدم انتخاب اولیه یا انتخاب مجدد رئیس‌جمهور از سوی مردم همان ضمانت اجرای مسئولیت رئیس‌جمهور در برابر ملت است اما دقت در مفهوم «مسئولیت» این معنا را نشان می‌دهد که اصل ۱۲۲، امری فراتر از یک روند متداول انتخابات را بیان می‌کند به‌ویژه آنکه عطف ملت به رهبر و مجلس (دو نهادی که حق خاتمه دوره مسئولیت رئیس‌جمهور را پیش از انقضای مدت انتصابش دارند) لازمه آن است که بین این سه، توازنی نسبی از حیث اهمیت، کارکرد و قدرت اجرایی برقرار باشد. به‌بیان دیگر، مسئولیت رئیس‌جمهور در برابر ملت، باید به همان اندازه شدید و ملموس و عینی باشد که مسئولیت رئیس‌جمهور در برابر مجلس و رهبری هست. نتیجه آنکه این قابلیت ادبی و منطقی در اصل یکصد و بیست و دوم وجود دارد که مسئولیتی عینی‌تر و مستحکم‌تر

برای رئیس‌جمهور در برابر ملت قرار داده شود که در ادبیات دموکراسی مستقیم، از آن به بازپس‌گیری آراء تعبیر شده است. البته پرواضح است که بند ۱۰ اصل ۱۱۰ قانون اساسی در این موارد باید مورد توجه و عمل قرار گیرد.

پنجم) در بخشی از متن سوگندنامه نمایندگان که در اصل شصت و هفتم بیان شده، آمده است: «من در برابر قرآن مجید، به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم... و ددعه‌ای را که ملت به ما سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف و کالت، امانت و تقوی را رعایت نمایم...». از آنجا که در فقه امامیه، «وکالت» عقدی جایز تلقی می‌شود که هر لحظه و آنی می‌تواند از سوی وکیل یا موکل / موکلین، مورد فسخ قرار بگیرد، لذا می‌توان زمینه‌ای برای ابزار بازپس‌گیری آراء در خصوص نمایندگان مجلس را به دست داد؛ بدین نحو که مردم به عنوان یک طرف قرارداد و کالت، هر زمان که بخواهند می‌توانند با ترتیباتی معین، قرارداد خویش را فسخ و نماینده/وکیل خود را عزل نمایند. به‌ویژه آنکه در کلمات حضرت امام (ره) به‌طور مکرر بر وکالتی بودن چنین مناصبی در حکومت اسلامی و عدم امکان تخلف از مفاد مورد و کالت تأکید شده است.^۲

ششم) به‌موجب اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی «به‌منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آن‌ها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد...». این فرآیند، هر چند فرآیندی قضائی است اما از آنجا که متضمن حق دادخواهی مردم علیه کلیه مقامات و مسئولین اداری کشور می‌شود، می‌تواند اندیشه و دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را

۱. لازم به ذکر است که به‌موجب اصل یکصد و بیست و یکم، در سوگندنامه رئیس‌جمهور، سخنی از وکالت وی از جانب مردم نیامده و این شاید به دلیل منصب دوگانه‌ای باشد که رئیس‌جمهور دارد؛ وی از یک طرف، منتخب مردم است و از سوی دیگر وکیل فقیه حاکم در اعمال قوه مجریه (با توجه به اصل شصتم قانون اساسی و نیز اصول پنجم و یکصد و هفتم).

۲. البته در این زمینه، بررسی دقیق‌تر مورد نیاز است و آن اینکه در چنین مواردی آیا باید ضوابط حقوق عمومی از قبیل اصل عدم صلاحیت اعمال شود یا خیر بدین معنا که چون صلاحیت عزل نمایندگان، برای مردم پیش‌بینی و تصریح نشده، آیا با توجه به ضوابط حقوق عمومی، اصل بر عدم وجود چنین حق و صلاحیتی برای مردم است یا با توجه به ضوابط حقوق خصوصی، اصل بر وجود اهلیت و صلاحیت اعمال چنین حقی همچنان برقرار است.

در عدم اعطای مصونیت به مقامات اداری کشور (اعم از مقامات منتخب مردم و مقامات انتصابی) به خوبی نمایانگر باشد.

نتیجه گیری

دوران مدرن، دوران سلطه دولت‌ها است و هر تلاش حقوق بشری، تأییدی است بر این سلطه روزافزون دولت‌ها. در جوامع جدید، دولت‌ها دارای قدرت فراوانی هستند و هر قدر هم که پشتوانه مردمی داشته باشند اگر مثل هر شخص دیگری در مقابل قانون مسئول نباشند یا اگر به آزادی‌های شهروندان احترام قائل نشوند، آنگاه مردم به سرعت توانایی کنترل خود را بر دولت‌ها از دست می‌دهند. به طور مشخص، دموکراسی نمایندگی نظامی نیست که هر آنچه را که مردم طلب می‌کنند در همان لحظه یا در کوتاه‌ترین زمان ممکن اجابت کند بنابراین نیازمند مکانیسم‌ها و تدابیری هستیم که امکان نفوذ آرای مردم و کنترل آن‌ها را بر دولت حفظ نماید و قدرت را همچنان در دست مردم نگاه دارد. برای این اساس، مکانیسم‌های دموکراسی مستقیم بکار می‌افتند تا هم تفوق و سیادت مردمی را بازسازی نمایند و هم به حاکمان گوشزد نمایند که منشأ حاکمیت از چه قدرتی سرچشمه گرفته است.

مهم‌ترین ابزارها یا مکانیسم‌های دموکراسی مستقیم عبارت‌اند از فراندوم، ابتکار شهروندان، ابتکار دستور جلسه و بازپس‌گیری آراء. مهم‌ترین نتایج و یافته‌های این پژوهش در خصوص آینده پژوهی بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اعمال مکانیسم‌های دموکراسی مستقیم به طور خلاصه بدین شرح است:

الف) فراندوم‌ها در دو نوع الزامی و اختیاری در نظام حقوق اساسی ایران به نحو مؤثر و پررنگی جای گرفته‌اند و هر چند تاکنون تجربه عملی از برگزاری فراندوم‌های اختیاری تاکنون حاصل نشده است اما برگزاری سه فراندوم عمومی الزامی (شامل فراندوم تعیین نظام سیاسی و فراندوم‌های تصویب و بازنگری قانون اساسی) نشان از اهتمام و پتانسیل بالای حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران در بهره‌مندی از این مکانیسم دارد. برای این اساس از میان مکانیسم‌های دموکراسی مستقیم، کمترین احساس نیاز نسبت به اصلاح قانون اساسی مربوط به مکانیسم فراندوم می‌باشد.

ب) ابتکار شهروندان در واقع تکمله‌ای است به فرآیندهای درخواست شده از سوی مقامات و نهادهای رسمی و برای شهروندان این حق را تأسیس می‌کند که خودشان در موضوعات مشخص و البته محدودی، درخواست فرآیندوم بدهند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت نامی از این مکانیسم وجود ندارد اما قابلیت‌های مندرج در اصول ششم و هشتم و به‌ویژه اصل پنجاه‌ونهم قانون اساسی به همراه ملاحظه قانون همه‌پرسی مصوب ۱۳۶۸، نشان‌دهنده آن است که عدم پیش‌بینی این مکانیسم در نظام حقوقی ایران، نه ناشی از عدم وجود ظرفیت این ابزار در قانون اساسی جمهوری اسلامی بلکه ناشی از قصور و اهمال این موضوع از سوی قوه مقننه است و احتمالاً به راحتی و بدون ایراد مغایرت با قانون اساسی، می‌توان چنین ابزاری را در نظام حقوق اساسی ایران پیش‌بینی نمود. با این وجود پیشنهاد می‌شود به منظور خاتمه تردیدهای نظری در خصوص قابلیت یا عدم قابلیت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در به‌کارگیری این مکانیسم، در بازنگری آتی قانون اساسی، این مکانیسم در قانون اساسی به صراحت مورد توجه واقع شود.

ج) ابتکار دستور جلسه، تنها مکانیسمی است که به انتخابات عمومی منتهی نمی‌شود و لذا به‌طور کامل در قالب «دعوت به خیر» و «امر به معروف» که در اصل هشتم قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته قابل اندراج است. بر این اساس، به نظر می‌رسد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ظرفیت کامل و استفاده‌نشده‌ای برای تحقق این ابزار دموکراسی مستقیم را نیز در اختیار دارد و در صورت اهتمام قانون‌گذار عادی، امکان ورود این مکانیسم به نظام حقوقی ایران بدون نیاز به تغییر در قانون اساسی وجود دارد.

د) مکانیسم عزل یا بازپس‌گیری آراء، به‌عنوان حساسیت‌برانگیزترین مکانیسم دموکراسی مستقیم، در کارزار کارآمدی و ثبات نظام سیاسی، با موافقت‌ها و مخالفت‌های سرسختانه‌ای روبروست. هرچند که در مبانی فقهی می‌توان مستندات قانع‌کننده از تعبیه چنین ترتیباتی در فقه سیاسی شیعه پیدا کرد اما به دلیل آنکه قبول این مکانیسم، مستلزم تغییرات بنیادین در ساختار نظام سیاسی و چارچوب‌های قانون اساسی است، در حال حاضر، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ظرفیت بالقوه‌ای برای اعمال و به‌کارگیری این ابزار در بر ندارد و چشم‌انداز کوتاه‌مدت و میان‌مدتی برای پذیرش این مکانیسم در ساختار سیاسی ایران متصور نیست.

ها) نتیجه کلی آنکه هم از لحاظ عینی و حتی عملی و هم از حیث مبانی و ظرفیت‌ها، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند محمل خوبی برای تحقق ابزارهای دموکراسی مستقیم باشد چراکه در طول چهل سال پس از انقلاب اسلامی ایران و حاکمیت قانون اساسی، برگزاری سه فراندوم سراسری، بیش از چهل انتخابات در سطوح مختلف، پیش‌بینی نهادهای مستقل و چندلایه در امر برگزاری و نظارت بر انتخابات، پیش‌بینی مکانیسم عدالت در برخی مناصب که به‌زعم این قلم، کارکردی دقیق‌تر از فرآیند ابطال یا بازپس‌گیری آراء می‌تواند ایفا نماید، پیش‌بینی شوراهای به‌عنوان ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور و دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان زمینه‌های حرکت به سمت ابتکار شهروندان، پیش‌بینی انتشار مشروح مذاکرات مجلس، امکان تعامل مردم با نمایندگانشان در طول دوره نمایندگی، محدود بودن دوره نمایندگی و... در متنی که برخی آن را «رسالة حکومتی ولی فقیه» و برخی دیگر «قانون اساسی اسلام» و دیگرانی آن را «دیدگاه فقه شیعه پیرامون نحوه حکومت در دوران مدرن» می‌خوانند، همگی نشان از قابلیت‌های فقه سیاسی شیعه در تطابق با مقتضیات اجتماعی هر عصر دارد

فهرست منابع

- ابوالحمد، عبدالحمید. (۱۳۸۴). میان‌بیس یاست. تهران: توس.
- ابوطالبی، مهدی. (۱۳۹۱). بررسی و نقد رهیافت هستی‌شناختی به دموکراسی و امکان‌پذیر نبودن مردم‌سالاری دینی. مطالعات انقلاب اسلامی (۲۹) ۱۸۹-۲۱۲.
- ارسطا، محمدجواد. (۱۳۸۹). نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران. قم: بوستان کتاب.
- بنتهام، دیوید؛ بویل، کوین. (۱۳۹۵). دموکراسی چیست؟ (آشنایی با دموکراسی) (جلدهشتم). (ترجمه شهرام نقش تبریزی) تهران: فقتوس.
- پناهی، علیرضا؛ پولادی، کمال. (۱۳۹۷). مقایسه تطبیقی دموکراسی لیبرال و دموکراسی گفتگویی. نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (۳۹) ۱۶۱-۱۷۹.
- پیک حرفه، شیرزاد. (۱۳۹۶). ستمگری اکثریت و زورگویی عرف در دموکراسی. غرب‌شناسی بنیادی (۲) ۲۹-۵۸.
- تکمیل همایون، ناصر. (۱۳۷۶). رشد هماهنگ و نوسازی در نهادهای سیاسی. فرهنگ (۲۲-۲۳) ۱۱۹ - ۱۵۱.
- جوادی، حسین. (۱۳۸۷). کنکاشی در دموکراسی و مشارکت سیاسی. فصلنامه سیاست (۷) ۱۹ - ۳۷.
- حاج‌زاده، هادی؛ بوالحسنی، مصطفی. (۱۳۹۵). دموکراسی مستقیم. تهران: مجد.
- رجبلو، علی؛ خوشنام، مژگان. (۱۳۹۵). جهانی شدن و سرنوشت مدل‌های دموکراسی. جامعه‌شناسی تاریخی (۱) ۱۲۷ - ۱۵۸.
- ردادی، محسن. (۱۳۹۶). تقوای سیاسی و اعتماد سیاسی: مقایسه ظرفیت اعتماد سازی مردم‌سالاری دینی. مطالعات راهبردی بسیج (۷۶) ۳۵ - ۵۷.
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهائی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۶۴). تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
- طباطبایی یزدی، رویا؛ مافی، فرزانه. (۱۳۸۷). روش‌های اجرایی شدن سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاداسلامی.
- طحان نظیف، هادی؛ منصوریان، مصطفی. (۱۳۹۵). سیاست‌های کلی اصلی ۴۴؛ بازنگری غیر رسمی قانون اساسی یا استفاده از ظرفیت اصل ۴۴. فصلنامه دانش حقوق عمومی (۱۵) ۵۵ - ۷۸.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل. (۱۳۸۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی (جلد دهم). تهران: میزان.
- کریمی مله، علی؛ رحمتی، رضا. (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی دموکراسی در عصر جهانی شدن. روابط خارجی (۱۳) ۱۴۹ - ۱۹۰.
- امیرکواسمی، ایوب. (۱۳۸۹). بررسی نقش بازدارنده دموکراسی از بروز انقلابات سیاسی. فصلنامه سیاست (۱۴) ۳۹ - ۵۸.

فصلنامه آینده پژوهی انقلاب اسلامی

مبلغی، عبدالمجید. (۱۳۹۵). فقه و دموکراسی؛ بررسی تطبیقی مطالعه معرفت‌شناختی امکان تطبیق فقه مشروطه بر دموکراسی مشورتی. فصلنامه سیاست (۳۸) ۴۲۳ - ۴۳۹.

هانتینگتون، ساموئل. (بی‌تا). موج سوم دموکراسی. (ترجمه احمد شها) بی‌جا: بی‌نا.

هلد، دیوید. (۱۳۷۸). مدل‌های دموکراسی. (ع. مخبر، مترجم) تهران: روشنگران.

